

اطلاعیه کمیته زنان سازمان خهبات به مناسبت روز جهانی زن



حقوق و نیازهایشان فعالیت‌های گسترده‌ای دارند.

به دنبال انقلاب ملت‌های ایران علیه رژیم پادشاهی در سال ۱۳۵۷ که حاصل فعالیت اقشار مبارز جامعه به پیراه کشانده شد، اولین جنبش زنان در تهران مورد تهاجم نیروهای پاسدار و بسیج حاکمیت تازه به قدرت رسیده قرار گرفت و این تجربه تلخ در کردستان نیز دوباره شد و راه را بر فعالیت آزادخواهان مسدود کردید. اما اقدامات رژیم نه تنها موجب پایان و سکوت ندهای حق طلبانه زنان نگردد، بلکه روز به روز این فعالیتها گسترش یافتند و زنان فعال همسو با مبارزه ملی، مبارزه‌ای همه‌گیر و حق طلبانه‌ای را در پیش گرفتند که تا موفقیت و پیروزی نهایی به آن ادامه خواهند داد.

کمیته زنان سازمان خهبات کردستان ایران با عهد و پیمان به زنان ستمدیده کردستان اعلام می‌دارد که ادامه‌دهنده راه انقلابی زنان و خلق مبارز کرد در ایران تا پیروزی را ادامه خواهد بود.

مجدداً ۸ مارس روز جهانی زن را به زنان کردستان و ایران تبریک می‌گوییم. کمیته زنان سازمان خهبات کردستان ایران

نزدیک به یک قرن گذشته در تاریکی و ظلمت بودند و براساس آداب و رسوم آن روزگار با عناوینی همچون ضعیفه و کم عقل و ناتوان مورد خطاب قرار می‌گرفتند و با همین نگاه با آنها برخورد می‌شد. اما با ظهور انقلاب‌های پی در پی منطقه و توسعه انقلاب صنعتی در این کشورها شرایط آگاهی زنان تاحدودی در مسیر تغییر و تحولات قرار گرفتند، همچنان که شاهد هستیم زنان در ایران و کردستان فعالانه پایه‌عرصه مبارزات نهاده‌اند و برای رسیدن به

نگرند و با تبلیغات مسموم در این باره ضربات سنگینی به هویت و شخصیت حقیقی زن وارد آمده است. در آن کشورها نیز جنبش زنان در حال شکلگیری است و برای برطرف کردن این موانع و مشکلات و تبعیضاتی که با آن مواجه می‌شدند در مبارزه و فعالیت هستند. این جنبش پایه‌ای جنبش آزادخواهی عمومی برای بهتر نمودن زندگی و از هم گسست نظام دیکتاتوری گام به گام به پیش می‌رود. زنان در ایران و کردستان در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی تا

پس از گذشت یک قرن و نیم هنوز با شور و اشتیاق یاد شده و در سراسر جهان مورد تقدیر قرار می‌گیرد. جنبش حق طلبانه زنان در ۳ دهه گذشته گرچه با مشکلات زیادی روبرو بوده، اما این جنبش حق طلبانه علیرغم همه مشکلات و پراکندگی و محدودیتهای حاکمان ظالم به مبارزه‌ای توده‌ای تبدیل گشته، به طوری که فریاد پرسی‌لشتان ستمگران را به لرزه انداخته است. به موجب فعالیت زنان مبارز، حق کار، بارداری، امنیت شغلی و آزادیهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در اکثریت کشورهای اروپایی به واقعیت تبدیل شده است. حقوقی که در نیمه اول قرن ۲۱ برای زنان کشورهای عقب مانده در خواب نیز متصور نبوده است. متأسفانه هنوز در بعضی از جوامع به زن به‌عنوان یک کالا می

جدیدی از مبارزات شد و تلاشها برای آگاه کردن این طیف انقلابی آغاز کرد. کمیته زنان با توجه به تجربه انقلاب‌های منطقه‌ای درگذشته و فعالیتهای زنان انقلابی و با توسل به روند ترقیخواهانه، مبارزات ملی خود را به جلو سوق می‌دهد و به مبارزه و فداکاریهای زنان سلحشور کردستان و ایران و جهان و به تلاشها برای رهایی زنان ارج می‌نهد، که درصدر آن باید به مبارزات "کلارا زیتکن" موسس جنبش انقلابی زنان آلمان که دارای جایگاه والا و قابل احترامی است، اشاره نمود.

خواهران، هم میهنان، برادران ارجمند در روز ۸ مارس روز جهانی زن به همه مبارزانی که برای حقوق مشروع زنان ستمدیده در تلاش و تکاپو بوده‌اند، تبریک و تهنیت می‌گوییم. مبارزه برای رسیدن به حقوق مساوی میان انسانها وظیفه‌ای سنگین و مقدس است. سازمان خهبات کردستان ایران به‌عنوان جریان پیشرو و ملی، در همه عرصه‌های مبارزه حضور داشته و برای آزادی و برابری زنان در چهارچوب رسیدگی به خواسته و نیازهای زنان، برنامه ریزی نموده و در این راستا همیشه ثابت قدم و استوار عمل کرده است.

با هدف پیشبرد و فعال نمودن زنان و تواناییهایشان، سازمان خهبات کردستان ایران در سال ۱۳۸۱ هجری شمسی کمیته زنان تأسیس شد. با تأسیس این کمیته روند فعالیت زنان انقلابی و خستگی ناپذیر وارد مرحله

انتخاب یا انتساب



تشکیل می‌دهند. اگر به انتخابات نگاهی بیندازیم، اساساً درک این نکته که تنها ظاهری و فرمالیته است. یعنی شرکت کردن یا نکردن مردم مطرح نیست و هیچ تغییر اساسی در مسئله ندارد و البته نظر سردمداران رژیم به این شکل است. زیرا آنان مشروعیت خویش را از طریق اراده ولایت مطلقه فقیه کسب کرده و هرگز مشروعیتی که از طریق آراء مردم بدست می‌آید مطرح نیست و نمی‌تواند به پای مشروعیت ولایت مطلقه فقیه برسد. حال چه در انتخابات شرکت کنیم یا نکنیم. چهار سال رئیس جمهور احمدی نژاد که بوسیله ولایت فقیه انتساب گردیده به پایان می‌رسد، یا باز هم محمود احمدی نژاد به رأی شخص ولی فقیه انتخاب می‌شود یا کسی دیگر؟

در اینجا شخص مهم نیست بلکه نحوه انتخابات مهم است اینکه متأسفانه آرای تقریباً ۳۰ میلیون نفر در مقابل یک نفر اهمیتی ندارد. شخص محمد خاتمی در دو دوره ریاست جمهوری نیز ادعای آنرا داشت که گفت، دموکراسی دینی یعنی (رأی رهبر). پس شرکت در انتخابات مهم نیست بلکه باز در این دوره از خودیهای ولایت فقیه کدام یکی است خدا می‌داند.

با خلاصه‌ای که گفتیم باید انتخابات را تحریم کرده و از حضور در پای صندوقهای رأی خودداری کنیم و مردم ایران به هر طریق که می‌توانند اعتراض خود را علیه حاکمیت دیکتاتور که جامعه امروز ما را به نابودی سوق می‌دهد اعلام کنند و در تلاش برای سرنگونی این رژیم باشند. باید مردم ایران با عدم شرکت در انتخابات فرمایشی جهان را متوجه اعتراض خود کنیم و به امید روزی که بتوانیم یک حکومت دموکراسی که احترام به کلیه آراء و افکار، قومها و ملتها... هست جایگزین حاکمیت ددمنشانه آخوندی کنیم.

ریاست جمهوری که رژیم از فعالیت های پنهانی دانشجویان، روزنامه‌نگاران، کارگران... احساس خطر کرد، پس با یک حرکت نمایشی محمد خاتمی که یک آخوند حیل‌گر بود را برای انتساب ریاست جمهوری معرفی کردند و نمایش های مسخره رژیم شروع شد. خاتمی در زمان کاندیداتوری با حیل و نیرنگ وارد صحنه شد و به آحاد مردم قول مردم سالاری که معنی همان دموکراسی به شکل جدید بود و آزادی بیان، گفتگوی تمدنها، رفاه مردم را داد، و موقع کاندیدا شدن خاتمی، برنامه ساختگی که به وسیله سرویس اطلاعات با چند حادثه ساختگی کوچک طراحی شده بود سن انتخابات را ۲ سال پایین آوردند، یعنی از سن ۱۸ سال به ۱۶ سال رساندند که چون جوانان زیر ۱۸ سال بودند و تبلیغ های گسترده رژیم از طریق تلویزیون، روزنامه، رادیو، انترنت، به صورت انتخاب گسترده انجام شد و این باعث شد که شکاری از جوانان به پای صندوقهای رأی روند.

در پایان دوره ریاست جمهوری خاتمی که اکثر مردم به حیل‌های رژیم آگاه شده بودند، رژیم با ترفندی جدید دست زد و استفاده کرد که در این واژه آشکارا مسئولین سعی کردند با تعاریف و تحاریف به مردم ایران بقبولانند که چنان نبود، در بالاترین ارگانهای حکومت تعریف جدیدی که وجود داشت که در نظام آنان مشروعیت تنها از طریق آرای مردم بدست نمی‌آید بلکه مردم تنها می‌توانند مشروعیتی که از طریق عدالت و تقوی بدست آورد، بی‌پذیرند.

حال اگر بخواهیم گام را فراتر نهاده و مسئله را اندکی ریزبینانه‌تر مورد آنالیزه تجزیه و تحلیل قرار دهیم به نقطه رأس نظام که کلیه ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به آن وابسته هستند که پایه‌های رژیم را

بینیم که اکثر احزاب و سازمانهای سیاسی، خلق مظلوم کردستان، مردم سیستان و بلوچستان و بخش هایی از خوزستان و مردم ترکمن صحرا، انتخابات نوع حاکمیت در ایران را تحریم و از شرکت خودداری کردند.

بعد از انتخابات مضحک نوع حاکمیت مشخص و اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری بعد از استعفای دولت موقت مرحوم مهندس بازرگان شروع شد و خمینی با دخالت خود از کاندیدای سازمان مجاهدین خلق مانع کرده و ابوالحسن بنی صدر به پشتیبانی و انتساب خمینی رئیس جمهور شد، البته ریاست جمهوری دوره اول زیاد دوام نیاورد و بخاطر اختلاف بنی صدر با حزب جمهوری اسلامی به دستور خمینی بازداشت وی صادر شد، رجایی نیز به وسیله خمینی انتساب گردید و دوره دوم ریاست جمهوری نیز کمتر از دوره اول بود که انفجار بمب به هلاکت رسید.

اما در دوره سوم ریاست جمهوری، خمینی نیز علی‌خامنه‌ای را به عنوان ریاست جمهوری انتساب کرد و در دوره چهارم نیز با انتساب مجدد وی رئیس جمهور شد و تمام این چهار دوره انتخابات به صورت نمایشی بود، یعنی برای آراء مردم کوچکترین اهمیتی قائل نبودند.

در سال ۱۳۶۸ خمینی با نوشیدن جام زهر به زندگی خودش پایان داد و بعد از مرگ خمینی رهبریت دیکتاتوری رژیم به علی‌خامنه‌ای رسید هنوز کمتر از یک سال به پایان دوره دوم ریاست جمهوری مانده بود که مجلس خیرگان هاشمی رفسنجانی را انتساب کرده و دو دوره نیز به صورت انتسابی رئیس جمهور بود.

پس می‌بینیم با کلمه خودی و غیر خودی بین خودشان و مردم فاصله انداخته و انتخابات به صورت نمایشی بوده و هست. در پایان دوره دوم ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی یعنی دوره ششم

بود، فقط انتخابات مجلس سنا یا مجلس شورای ملی آنها به صورت سطحی انجام می‌شد. ولی بعد از ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اولین بار انتخابات بیان گردید که انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی به شیوه‌ای مضحکی انجام شد. حکومت آخوندی خود معیارهای انتخابات را که سرشار از ترفند و ناعدالتی است تعریف می‌کند و انتخاباتی قلابی را براه انداخته و در داخل و در خارج از آن حربه استفاده کرده و می‌گوید که در این انتخابات با آرای موافق ۹۸٫۲٪ مردم به جمهوری اسلامی رأی داده‌اند و پایه‌گذاری کردند اگر به آن موقع برگردیم، می

کشورهایی که الگوی حکومتی خود را دموکراسی قرار دادند انجام می‌گیرد. در روزهای گذشته بحث انتخابات آمریکا مطرح گردید که نمونه‌ای از یک دموکراسی کامل در دنیا بود و کسی که به اکثریت آراء مردم انتخاب شد و به احترام اکثر آراء عمومی پست ریاست جمهوری آمریکا را در دست گرفت. البته موضوع مورد بحث درباره انتخابات آمریکا نیست بلکه صحبت از انتخابات در ایران است. در این روزها نیز بحث و گفتگوها و کشمکش های فراوان پیرامون کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری در ایران بالا می‌گیرد حال به چگونگی انتخابات در ایران می‌پردازیم. در ایران قبل از ۱۳۵۷ نهاد حکومتی سلطنتی و فردی و مؤثری

انتخابات، یکی از نمادهای نظامهای دموکراتیک در هر کشوری است. مردم در جریان انتخابات اراده‌ای آزاد و شعور سیاسی خود را به نمایش می‌گذارند و به طور فعال در تعیین سرنوشت خود مشارکت می‌جویند.

دولت مردان و دولت‌ها نیز مشروعیت خود را از آرای مردم گرفته و در برابر آنها مسئول و ملزم به پاسخ‌گویی در برابر قدرت تفویض شده می‌باشند. از این رو انتخابات بسیار مهم، حساس و دوران ساز است.

انتخابات امروزه نماد کشورهایی که نمادی از دموکراسی هستند عنوان می‌شود و این نماد ابتدا در کشورهای اروپایی عنوان گردید و سپس در دیگر